



اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است. منصور حکمت

تدارک سناریو سیاه دیگری برای مردم عراق

(در باره کنفرانس "نیروهای اپوزیسیون" عراق در لندن)

لندن شاهد کنفرانسی در مورد آینده عراق بعد از سرنگونی صدام حسین باشد. این کنفرانس به دستور سران دولت های آمریکا و انگلیس و با شرکت نیروهای اپوزیسیون ملی و اسلامی عراق برگزار خواهد شد. تمام رسانه های اجیر و مجیزگویان راست ترین جناح های بورژوازی بسیج شده اند تا تحمیل

صفحه ۲



صالح سرداری

قرار است روزهای آینده شهر

قدرت جنبش نسل نوین

ایرج فرزاد

اعتراضات دانشجویان علیه حکم اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی و در دفاع از آزادی بیان و اندیشه، تنها و صرفاً حرکتی اعتراضی علیه اختناق جمهوری اسلامی نبود. این اعتراضات ویژگیها و خصائص یک حرکت متفاوت در مبارزه علیه جمهوری اسلامی و برای خلاصی از سلطه اسلام سیاسی را نیز از خود نشان داد. این حرکت و جنبش نسلی است که هیچ رابطه و خویشاوندی با "انقلاب اسلامی" و تمام شعبات حکومتی و غیر حکومتی آن را در طیف وسیع جریان ملی- مذهبی ندارد. ارزشها، شعارها، نمادهای علنی و اشکال تجمعات این جنبش از شرق و شرق زدگی و اسلام و اسلام زدگی به کلی گسسته است. به همین دلیل است که پرفسور و دکتر مهندسهای دو خردادی، برای اینکه مجال سخنرانی در حتی "انجمنهای اسلامی" بیابند، چاره‌ای ندیدند جز اینکه از همان ابتدا اعلام کنند که با "دن کیشوتهای دوخرداد" و شرافت دست اندرکاران روزنامه‌های دو خردادی مشکل دارند. این را از جمله از جناب دکتر رئیس دانا دیدیم. با اینحال جوان ایران و تفاوت‌های بنیادینی که بین آرزوها و انتظارات آنان از زندگی،

صفحه ۲

فراکسیون زنان مجلس هم جمهوری اسلامی را نجات نمیدهد!

صفحه ۴

چند گزارش خبری

صفحه ۳



سرمدیر: ایرج فرزاد iraj_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵

فاکس: 00448701687574

آدرس:

K.F.K.S
Box 15203
104 65 Stockholm

پست گиро: ۱۶۷۸۴۷۱-۲

رادیو انترناسیونال

هر شب

۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه

بوقت تهران

۴۱ متر برابر با

۷۴۹۰ کیلوهرتز

تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹
اطلاعات و پیامگیر رادیو:

۰۰۴۴۲۰۸۹۶۲۲۷۰۷

روزهای یکشنبه

نیم ساعت به

زبان کردی

دانشجویان در کردستان!

به اعتراضات سراسری بپیوندید!

کردستان و در شهرهای بزرگ در تجمعات بزرگ نوروز و چهارشنبه سوری، اول مه ها و در هر فرصت نافرمانی کردن از مزدوران گشتی جمهوری اسلامی اعتراضات بزرگی کرده‌اند.

در این چند هفته پرقدرت و هیجانی اعتراضات دانشجویان تهران و دیگر شهرها، جای دانشجویان و جوانان در کردستان در خیابانها و دانشگاه با پرچمهای سرخ، با شعارهای رادیکال و برابری طلبانه خالیست!

سخنی با جوانان در کردستان!

من یکی از جوانان انقلاب ۵۷ و اعتراضات آن دوره‌ام، آن زمان من عضو شورای

صفحه ۳

حضور و دخالت دانشجویان نبودند. اما آرزو می‌کردند که دانشجویان خودی نشان دهند و بگویند که خودشان و سکوتشان جای نگرانی نیستند. دانشجویان این کار را هم نکردند. امسال دیگر راه گریزی برای جمهوری اسلامی نمانده است، چرا که هر روز پلهای بیشتری به تصرف دانشجویان و جنبش کارگری و جنبش مردمی درمی‌آید.

مردم در کردستان سالهاست که با کانونها و گرایشهای سیاسی، با گرایشهای پراسابقه برابری طلبی و آزادیخواهی، با سنتهای کمونیستی و آزادیخواهیهای سکولاریستی و مدرن آشنایی داشته و در میان بخشی از مردم متداول بوده است. زنان پیشرو در ۸ مارسها قطعنامههایی صادر کردند که فعالین زن در اروپا به وجودشان هنوز که هنوز است می‌بالند و تحسینشان می‌کنند. جوانان در



هلاله طاهری

halale_taheri@yahoo.com

اعتراضات پر شور و شوق جنبش دانشجویی هر روز ابعاد تازه‌تری به خود می‌گیرد. از نکات برجسته این دوره از مبارزات دانشجویی می‌توان به روحیه بالا و شور همبستگی و پشتیبانی مردم و دیگر اقدار از اعتراضات آنها اشاره نمود.

سال گذشته جراید اسلامی از سکوت دانشجویان به تنگ آمده بودند. سکوتی که به قول جمهوری اسلامی از هر دو جناح می‌بایست از بنیادهای اسلام دفاع می‌کرد که دانشجویان نمی‌کردند. البته جمهوری اسلامی و بویژه طیف دوم خردادیهای آن زمان موافق

◀◀ قدرت جنبش نسل نوین

و سابقا رهبر انقلاب فرهنگی و رئیس وزارت اطلاعات و مامور اعدام و مجموعه قشر "روشنفکران دینی" و طرفداران شبه سکولار اپوزیسیون پرو رژیم دیگر برای جنبش نسل جوان ایران بیگانه اند.



اما این جنبش مردم ایران که طلایه‌های فردای خود را در حرکت و شعارها و ابراز وجود نسل جوان ایران میبیند، به دلیل وسعت و گستردگی خویش، و به دلیل اینکه نیازهای خود را از دهکده جهانی و نه از اوام ارتجاعی آل احمد و امام خمینی و ارزشهای ضدغربی آن و کل طیف ملی مذهبی نمیگیرد، بشدت رادیکال، سازش ناپذیر و پر توقع است. مطلقا به چیزی کمتر از برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد راضی نیست. جالب است که شعار نوار روی پیشانی دختران،

و قدرت این نسل پایه‌های تزلزل و هزیمت و ریزش را در درون نیروهای مسلح رژیم اسلامی بنا کرده‌است. یک دلیل اصلی تعرض اوباش جیره خوار "لباس شخصیه" و ناتوان ماندن "بسیج دانشجویی" از مهار و یا سرکوب حرکت‌های اخیر دانشجویان در همین تزلزل و تردیدی است که این جنبش در درون نیروهای کلاسیک تر و اصلی تر ابزارهای سرکوب ایجاد کرده است. در صورت تصمیم اولیای امور اسلام به فرمان حمله و سرکوب علیه جنبش مردم ایران، ریزش و ترک صفوف نیروهای رژیم در ابعاد وسیع آغاز خواهد شد. و این وضعیت بی تصمیمی و بلاتکلیفی جمهوری اسلامی، تا لحظات پایانی فروپاشی و اضمحلال رژیم هر بار و در هر سیکل مبارزات مردم در ابعاد وسیعتر ادامه خواهد یافت.

"کمیته هماهنگی" معلمان تصمیم گرفته است از امروز، جمعه ۲۲ آذر، در اعتراض به وضع نابسامان اقتصادی و شغلی معلمان و نیز در اعتراض به فضای اختناق و استبداد سیاسی حاکم بر مدارس، به یک رشته اعتراضات و تظاهرات دست بزند که از تهران شروع و به سراسر ایران گسترش خواهد یافت. اصلا دور از انتظار نیست که به این حرکت اعتراضی جنبش اخیر دانشجویان، و اعتراضات معلمان، صف میلیونی دانش آموزان ملحق شود.

دورنمای حکومت جمهوری اسلامی تاریک و تاریکتر میشود و بنای جامعه‌ای آزاد، برابر، مدرن و سکولار و شایسته انسان امروزی بر بستر فروپاشی رژیم اسلامی، نزدیک و نزدیکتر میشود. باید پرچم این جامعه آزاد و انسانی، یک دنیای بهتر، برنامه حزب کمونیست کارگری را بر فراز اعتراضات و تظاهرات وسیع مردم ایران به اهتزاز درآورد.

یک دنیای

بهتر،

برنامه حزب

گمونیست

کارگری

را بخوانید!

◀◀ تدارک سناریو سیاه دیگری برای مردم عراق

این جنگ خانمانسوز به مردم عراق را جنگی برای "دفاع" از مردم عراق و سرنگون کردن دیکتاتوری در عراق جار بزنند.

با نگاهی کوتاه به ترکیب دولت ها و نیروهای شرکت کننده در این کنفرانس خوبی روشن می شود، که این ادعای دولت آمریکا و نیروهای متحدش تا چه اندازه پوچ و فقط نشانه یک شارلاتانیسم است. تاریخ اینها ثابت کرده است که پیشیزی برای جان انسان ها ارزش قائل نشده اند. دولت بوش در حالی از خلع سلاح کشورهای دیکتاتوری حرف می زند که خودشان اولین بمب اتمی تاریخ بشری را بر سر مردم شهرهای ناکازاکی و هیروشیما انداخته و میلیونها انسان را کشته و یا ناقص العضو کردند. هنوز هم بعد از چند دهه آثار و عواقب این جنایت بر نسل های بعدی قربانیان این جنایت باقی است.

جنایت تروریستی ۱۱ سپتامبر دارودسته های اسلامی برای جورج بوش و سایر ششول بندهای هیات حاکمه امریکا فرصتی طلایی خلق کرد تا توجیهی برای پیشبرد اهداف خود یعنی تثبیت هژمونی و مقام ژاندارمی خود بر دنیا را تعقیب نمایند. سران دولت های آمریکا و انگلیس وقیحانه از دفاع از مردم عراق لاف می زنند در حالی که همین ها بیش از ده سال است که غذا و شیر خشک کودکان در عراق را گروگان گرفته‌اند و تا بحال مرگ میلیونها کودک را باعث شده اند. اینها برای منافع خود، برای تسخیر بازارها، برای فروش جنگ افزارهای خود به هر گوشه ای از دنیا لشکر کشیده و جنگ راه انداخته و انسان کشته اند. انگار از بخت بد مردم عراق از سیاهترین دولت های منطقه مانند جمهوری اسلامی تا ارتجاعی ترین نیروها و احزاب در منطقه صف بسته اند تا در ساختن این سناریوی سیاه و تحمیل به آنها سهم باشند. رژیم جمهوری اسلامی در هفته گذشته میزبان احمد چلبی و

مسعود بارزانی و "آیت الله" حکیم، که بیست سال است در رکاب سران رژیم اسلامی بسر می برد، بود. رفسنجانی، خاتمی، کروبوی، و فرماندهان سپاه پاسداران با اینها جلسه تشکیل داده تا بتوانند بیشتر مردم عراق را به خاک سپاه بکشانند. قرار است در کنفرانس لندن از نیروهای طرفدار رژیم جمهوری اسلامی تحت رهبری آیت الله حکیم که می خواهد در عراق جمهوری اسلامی دیگری سرکار بیاورد و مردم عراق صاحب خمینی و خامنه ای دیگری بشوند تا از احمد چلبی از مهره های سیا و افسران فراری ارتش بعث که دستوردهندگان و قاتلین مردم عراق هستند، تا احزاب حاکم در کردستان عراق که کارنامه ۱۱ ساله شان غیر از فقر و بدبختی و تحمیل جنگ داخلی و آوردن پای ارتش های سرکوبگر دولت های منطقه و کشتار زنان چیزی برای مردم نداشته اند، در مورد آینده مردم عراق تصمیم بگیرند.

این نیروها که قرار است هر کدام در پیشبرد نقشه های امریکا نقشی ایفا کنند، بازیگرانی بدون اختیار بیش نیستند. جلال طالبانی و مسعود بارزانی به کرات گفته اند که آمریکا آنها را در جریان چگونگی حمله به عراق و تاریخ آن قرار نداده است. مسعود بارزانی در جواب سوالی که خبرنگاری درتهران از وی پرسید آیا شما اجازه می دهید که امریکا از منطقه تحت نفوذتان به عراق حمله کند گفت: من از شما سوال می کنم آیا ما می توانیم این اجازه را ندهیم؟ بیش از یک سال است که مردم عراق با کابوس جنگ شب را به روز می رسانند. نگه داشتن این وضعیت و فضای جنگی که در این مدت برای حمله به عراق راه انداخته اند، بیش از خود جنگ، مردم را نگران کرده و در آینده ای نامعلوم بسر می برند. تمام جهان می داند که تدارک این جنگ خانمانسوز با ادعاهایی که دولت های امریکا و انگلیس آن را در بوق و کرنا کرده اند، ذره ای حقیقت ندارد. آیا در این دنیا دیکتاتورها کم هستند؟ کدام دیکتاتوری بدون حمایت امریکا سر کار آمده است؟ آیا اینها

دانشجویان در کردستان!

به اعتراضات سراسری پیوندید!
(از صفحه اول)

دانش‌آموزی شهر بانه که یکی از رادیکالترین و فعالترین شوراهای آن دوره بود بعنوان سخنگوی شورا در بسیاری از سخنرانیها حضور داشت. خاطرات آن زمان هنوز درسهای ارزشمندی دارد که بازگویی آن را لازم میدانم. ما اعتراضات و تظاهراتهای تهران را با آغوش باز گرفتیم و به آنها پیوستیم. هر روزه و به هر بهانه‌ای مدارس را تعطیل می‌کردیم. در میانمان دهها رهبر و سخنگو زاده و پروده شد. دهها تشکل و صدها آکسیون، متینگ و سخنرانی‌های هر روزه سازمان پیدا کرد. ما آزادی و برابری زن و مرد می‌خواستیم. ما همان موقع به جنبش لائیک و غیر مذهبی که سریعاً رشد کرده بود، پیوستیم و بسیاری از ما نه تنها به این سطح بسنده نکردیم، بلکه به ایده‌های کمونیستی روی آورده و آرمانهای کمونیستی را، با همان سطح درکی که از کمونیسم داشتیم، تبلیغ می‌کردیم. ما تبلیغ مارکسیستی آزادیها و بی‌قید و شرط بودن آن را بر سر زبانها انداختیم. ما حرف دل مردم را می‌زدیم و طیف وسیعی از مردم به ما پیوستند. ما ماهها بعد، بعد از روزهای طولانی و به یاد ماندنی و با مقاومت صدها هزاران نفره در شهرها ماندیم و جنگیدیم اما جمهوری اسلامی و

لشکریانش را به شهرها راه ندادیم. ما صدها قربانی دادیم. تظاهراتهای ۸ مارس در تهران و توطئه‌های گله‌های اسلامی، اعدامهای زندانها از جمله زندان اوین، اعتراضات جوانان و قتل‌عام خونین آنها در ۳۰ خرداد در تهران، مقاومت روزها و هفته‌های شهرهای سنندج، بانه، مهاباد و سردست و سقز تاریخ روزهای مبارزات ما و توحش و بربریت جمهوری اسلامی در مقابل آزادیخواهی ما بود. نقطه قوت ما پیوستن به مبارزات سراسری بود. علاوه بر آن نگر داشتند سنکر کردستان برای مدت زمانی در دست مبارزین و چپهایی از سراسر ایران و خود کردستان جوانان عزیز! مبارزات شکوهمندتان در چند ساله گذشته و آمادگی و ظرفیتی که از خود نشان داده‌اید از شما می‌طلبد که این لحظات مهم را از دست ندهید. هر چه زودتر به صفوف اعتراضی و رادیکال دانشجویان پیوندید و شهرها و مدارس را در کردستان بر سر جنایتکاران جمهوری اسلامی ویران کنید. انجمنهای اسلامی و زرد رژیمها را هو کنید و از میدان بدرشان کنید. امروز آنها از همیشه ضعیفترند و فقط اتحاد شما می‌تواند به کار آنها پایان دهد. خواب خام سازش رژیم و بویژه دوم خردادیها با بخشی از اپوزیسیون در کردستان و وعده دادن به مردم و ساخت و پاختهای

در بسته با آنها را بر هم بزنید و با شرکت و پیوستن به مبارزات سراسری هر چه نقشه شوم در مورد بی‌ارتباطی مبارزه مردم در کردستان با مبارزات سراسری را برسرشان خراب کنید. تلاش جریانات و احزاب ناسیونالیستی کرد و تنگ نظری ناسیونالیستی و قوم پرستانه را برای ایجاد شکاف و جدائی در مبارزه برای آزادی و برابری، در مبارزه برای به زیر کشیدن رژیم اسلامی را باید به شکست کشاند.

اگر در انقلاب ۵۷ ما به چپ روی آوردیم و چپ و رادیکالیسم در میانمان شکل گرفت اما هنوز صاحب حزب کمونیست نبودیم. اما امروز این حزب وجود دارد و با تمام نیرو می‌کوشد که برای رهایی انسان، برای یک دنیای بهتر و برای رهایی از توحش اسلام سیاسی و جهنم سرمایه‌داری مردم را، کارگران و شما جوانان را متشکل و قدرتمند در قدرتگیری سیاسی در کردستان سهمیم و دخالتگر کند. به اعتراضات سراسری پیوندید و به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید. با شعار برابری زن و مرد، لغو اعدام و سنگسار، آزادی زندانیان سیاسی، آزادیهای بی‌قید و شرط سیاسی و شعار سرنگونی جمهوری اسلامی با پرچم‌های سرخ دروازه‌های شهرها و دانشگاهها و مدارس را زیر پای خود به لرزه در آورید! پیروز باشید!

چند گزارش خبری

سردشت:

جوانان شهر افراد دستگیر شده را از دست مزدوران رژیم آزاد کردند

کردستان حزب کمونیست کارگری ایران بقیه سرنشینان اتوبوس همگی زخمی شده و تعدادی از آنان به رضائیه انتقال داده شده حالشان خوب نیست. طبق خبر رسیده تعداد زیادی از کشته شدگان این ماجرا اهل روستاهای "بیژوی" و "سنجو" از سردشت هستند. ما ضمن تاسف عمیق خود از این ماجرا به خانواده و بستگان قربانیان این واقعه دلخراش و مردم منطقه صمیمانه تسلیت می‌گوئیم.

روز پنجشنبه ۷ آذر ۱۳۸۱ (۲۸ نوامبر ۲۰۰۲) نیروهای گشتی رژیم در "ماراغان" واقع در مابین جاده سردشت به منطقه آلان، برای مردم کاروانچی کمین می‌گذارند. ماشینی که حامل مقداری مشروب بوده به کمین آنها افتاده و سرنشینان ماشین را دستگیر و مشروبات را مصادره و به سردشت می‌آورند. قبل از رسیدن افراد دستگیر شده جوانان شهر از ماجرا مطلع و در مسیر بازگشت نیروهای گشتی رژیم منتظر میمانند. با رسیدن واحد رژیم و افراد دستگیر شده به شهر جوانان در مسیر آنان ظاهر میشوند و با مزدوران رژیم درگیر میشوند. جوانان مبارز فوری دستگیر شدگان را آزاد و وسایل آنها را از چنگ نیروهای رژیم خارج میکنند. نیروهای کمکی رژیم سر رسیده و بعد از مدتی جوانان با موفقیت، پراکنده میشوند.

در تصادف یک اتوبوس ۱۳ نفر جان باختند

روز دوشنبه ۱۸ آذر ۱۳۸۱ (۹ دسامبر ۲۰۰۲) در جاده سردشت پیرانشهر، در یک تصادف بسیار دلخراش یک اتوبوس که حامل ۲۵ نفر بود، ۱۳ نفر جان باختند. طبق خبر رسیده به کمیته

بوکان:

نجیبه بهرام‌پور خودکشی کرد

با کمال تاسف روز یکشنبه ۱۷ آذر ۱۳۸۱ (۸ دسامبر ۲۰۰۲) نجیبه بهرام‌پور ۲۵ ساله که انسانی شریف و زحمتکش بود و دارای دو کودک ۵ و ۹ ساله بود، خود را حلق آویز کرده و جان باخت. ما تا دریافت این خبر از دلایل این ماجرا اطلاعی در دست نداریم. ما همینجا ضمن ابراز تاسف عمیق خود، جانباختن نجیبه را به بستگان و بچه‌هایش تسلیت می‌گوئیم.

حزب کمونیست

کارگری را از نظر

مالی کمک کنید!

نوشت خود، میتوان مبارزه واقعی علیه رژیم صدام حسین را به سرانجام رساند. حزب کمونیست کارگری عراق و جنبش آزادیخواهان با چنین سیاستی لازمست توده مردم را بسیج و سازماندهی کند. و آینده بهتری را به مردم عراق نوید دهد. □
۱۲ دسامبر ۲۰۰۲

دست خواهند زد. تنها راه نجات از این وضعیت به میدان آمدن توده های تشنه آزادی و رهایی برای پایان دادن به سناریوی مورد نظر آمریکا و پایان دادن به حاکمیت سیاه بعث است. مردم نباید کوچکترین توهمی به آمریکا و احزاب اسلامی و عشیره ای و ملی گرا داشته باشند. با خنثی کردن نقشه و سیاست آنها و با احیای اراده مردم در تعیین سر

وضعیت به آنها کمک نخواهد کرد؟
واقعیت این است که مردم عراق از دست سرکوب و استبداد رژیم بعث به تنگ آمده اند. اما آمریکا و نیروهایی که قرار است بازیگر این وضعیت باشند فقط منفعت خود را تعقیب، و برای رسیدن به اهداف خود همانطوریکه تا بحال نشان داده اند، به هر جنگ و جنایتی

تدارک سناریو سیاه دیگری برای مردم عراق

قرار نداد؟
آیا مردم عراق باید به چنین سرنوشتی محکوم باشند؟ یا زیر دست سرکوبگری های رژیم بعث و یا برنامه ای که آمریکا و نیروهای ملی و اسلامی برایشان تدارک می بینند؟ آیا راه سومی وجود ندارد؟ آیا جهان متمدن برای نجات مردم عراق از این

تازگی متوجه دیکتاتور بودن صدام حسین شده اند؟ مگر همین صدام حسین با مباران شیمیایی شهر حلبچه در یک لحظه ۵ هزار انسان را نکشت؟ چرا در این مورد چیزی نگفتند؟ آیا مگر حتی همین دیکتاتوری را نیز بخاطر منافع دیگری که آن زمان داشتند، مورد حمایت

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

فراکسیون زنان مجلس هم جمهوری اسلامی را نجات نمیدهد!

هاله طاهری

اخیرا فراکسیون زنان مجلس در دیداری با علمای دینی قم در مورد «اصلاح قوانین» به گفتگو نشستند. کولایی نماینده مردم تهران که خود در این دیدارها حضور داشته، ضمن رضایت از این دیدارها می‌گوید ما تصمیم داریم با تمام «مراجع» صحبت کنیم. کولایی می‌گوید این خانمها در فکر «راهکارها»ی مناسب برای «اصلاح قوانین» هستند و می‌گویند که ما از علمای دینی درخواست کمک کردیم و «مسئله» سنگسار، «مسئله» کنوانسیون حقوق زن و «بحث» دیه زن به مرد را در قانون مطرح نمودیم.

کولایی می‌گوید انتظارات و خواستههای زنان با توجه به افزایش آگاهی آنها گسترش پیدا می‌کند.

ببینید چه کسی دم از خواست زنان و رشد آگاهی آنان می‌زند. داشتن آگاهی و واقف بودن به حقوق خود و یاد دادن به دیگران در ایران جرم سنگین است و هزاران نفر به خاطر آن اعدام شده‌اند. بخاطر شعار آزادی و برابری هزاران زن و مرد را به نام کمونیست و مفسد به جوخه‌های اعدام فرستادند. مگر همین رژیم‌ها نبودند که به نام بدحجابی و غربزدگی کروزرور زنان را روانه زندان کردند؟ همین چند هفته پیش در اصفهان گله زنان نقاب پوش را به جان زنان مدرن جامعه انداختند که هنوز هم در خیابانها به دنبال طعمه پرسه می‌زنند. در تمام این ۲۳ سال حاکمیت جمهوری اسلامی مردم همیشه از آنها جلوتر بودند. آنها قانون ازدواج ۹ ساله را گذاشتند، چند درصد جامعه و پدر و

مادرهای با وجدان به فراخوان آنها کودکانشان را به خانه شوهر فرستادند؟ تازه بارها به خاطر این جنایاتشان مورد طعن هم قرار گرفتند. زنان را به زور در چادر پوشاندند، اما ۸ مارسها حجابها را سوزاندند و آن را زیر پا لگدمال کردند. مردم همیشه چندین قدم جلوتر بودند. حال با چه رویی این خانمها مدعی‌اند که به عنوان نماینده زنان با زنتیزان عمامه بسر به واسطه‌گی و گدایی حقوق زنان می‌پردازند.

در میدانهای نمایش سنگسار، درکنار جوخه‌های اعدام، در دلانهای دادگاههایی که زنانی برای گرفتن حق طلاق یا با صورت‌های باد کرده و کتک خورده و یا بخاطر «بدحجابی» منتظر حکم دادگاه هستند، هنگامی که به روی زنان اسید پاشیده می‌شود، هنگامی که گله‌های سیاه حزب‌اله دنبال زنان راه افتاده و بی‌حرمتی می‌کنند، هنگامی که نیروهای انتظامی به سالنهای آرایش زنان حملهور می‌شوند، در تمامی این صحنه‌ها و این جنایات فراکسیون و کل گله جمهوری اسلامی شریک جرم هستند. هر بار دیدن تصاویر زنان محجبه فراکسیون در تلویزیون بدون شک تاریخ ننگین جمهوری اسلامی را برای زنان مبارز ایران تداعی می‌کند. فقر و فحشا و بی‌کاری، کودکان خیابانی، خودکشی و اعتیاد، جنون و خشونت و بربریت هرروزه علیه مردم ارمغان ۲۳ ساله فراکسیون زنان، علمای قم و جناحهای تعدیل شده از راست و چپ جمهوری اسلامی بوده است. آیا شکی بر این هست؟

جالب اینجاست این خانمها می‌خواهند با تز دیالوگ با علما بر سر سنگسار بحث کنند. سنگسار و آپارتاید جنسی دو موضوع هویتی جمهوری اسلامیست. آیا این خانمها بر

سر لغو آن می‌خواستند با علمای دینی قم «بحث» کنند؟ گویا می‌خواهند قانون اساسی جمهوری اسلامی که بر مبنای شریعت اسلامی نوشته شده سنگسار و آپارتاید جنسی را لغو کند؟ اگر اصلاح شود یعنی به نفع زنان چه اتفاقی روی می‌دهد؟ آپارتاید جنسی، حجاب، سنگسار، بی‌حقوقی زنان را از اسلام بیرون بکشید ببینید چه چیزی ته آن می‌ماند؟ اساس هویت جمهوری اسلامی و قوانینش زن‌ستیزیست. آیا تعدیل و اصلاح آن امروز برای جمهوری اسلامی معنای دیگری جز مرگ دارد؟ براستی این فراکسیون از دنیا بی‌خبر دنبال چه می‌گردد؟

اما در خصوص سفر این خانمها نزد علما باید گفت که سالها قبل هم این ملاقاتها و دیدارها را داشته‌اند. زمانی برای اجرای احکام سنگسار و ترساندن زنان و امروز برای نجات جمهوری اسلامی. واقعیت این است که این همه سال از علمای دینی خود برای نقششان در سرکوب آزادیها و آپارتاید جنسی زنان بهره جسته، خط گرفته و آموزش دیده‌اند. نسخه‌ها و داروهای گنبدیده این خانمها چیزی جز آپارتاید جنسی و بی‌حرمتی به زنان در بر ندارد و جایی در میان زنان و جنبششان ندارد. تلاش این خانمها بیهوده است!

منصور حکمت می‌گوید انقلاب آتی ایران به احتمال زیاد یک انقلاب زنانه است. جهنم ۲۳ ساله جمهوری اسلامی برای زنان ضرورت حضور آنان را در خط اول جبهه‌های نبرد و روزهای به سرانجام رساندن انقلاب مسجل نموده است. این نبرد سالهاست شروع شده است. اگر نبود که لیست صدها هزارنفره اعدامها، ۸ مارسها و حجاب سوزانی‌ها، تظاهرات هر روزه و اعتراضات

و نافرمانی لحظه به لحظه مردم، جوانان، کارگران و بویژه زنان وجود نمی‌داشت. زن در جامعه ایران آن موجودی نیست که در قوانین جمهوری اسلامی تصویر شده است، زن، آن موجود توسری خورده و تحقیر شده‌ای نیست که در ذهن "خواهر" کولایی و نزد "آیات عظام" در حجره‌های ارتجاع سراهای قم و مشهد و اصفهان حک شده‌است. امروزه زنان در ایران ماگزیمال آزادیها و برابری زن و مرد را می‌خواهند. سکولاریسم و جهانشمولی حقوق زن با همه دستاوردهای بین‌المللی اش خواست زنان ایران هم هست. خواست سوسیالیستی و برابری طلبانه‌ای که مهر خود را در جنبش زنان ایران با حضور حزب کمونیست کارگری ایران و سالها مبارزه برای آن زده به خواست زنان ایران تبدیل گردیده است.

مردم تصمیم خود را گرفته‌اند که این رژیم اصلاح شدنی نیست، رفتنیست! زنان به ارادیه فراکسیون زنان مجلس، این رژیم‌های فسیل شده واقعی نمی‌نهند. باور کردن این نکته مشکل نیست، به اعتراضات هر روزه و بویژه جنبش دانشجویی دور اخیر نگاه کنید تا واقعیت آشکار «نه» گفتن به کلیت این رژیم را باور کنید. در انقلاب آتی که از همین حالا مهر سکولاریسم، مدرنیسم، برابری و آزادی بدون قید و شرط برخود دارد جایی برای جریانات و گروههای رنگ‌وارنگ اسلامی در میان مردم نمی‌گذارد. این خانمها با علمایشان، با قوانین اسلامی ۱۴۰۰ ساله و یا تلاش دوم خردادیهای امروزیشان، تا زندانها و دستگاه سرکوبشان همه با هم بدست مردم به گور سپرده خواهند شد. حتی اگر تعداد

کمی از مردم ناآگاه و یا بخشهایی از گروههای ناسیونالیستی و راست اپوزسیون تلاشی برای نجات نوعهای اصلاح طلب و «آدم‌شده»تر این رژیم بکنند مگر همینها می‌توانند از زیر خشم ۵۵ درصد زنان جامعه، ۸۰ درصد نیروی جوان جامعه و خیل میلیونی کارگران نجات پیدا کنند؟ جوانان، زنان و کارگران نیروی اصلی سرنوشتی در انقلاب آتی هستند. تصمیم قطعی این میلیونها انسان است که سرنوشت آینده سیاسی ایران را رقم می‌زند.

یک روزی خیابانها مملو از زنان به خشم آمده، در حال سوزاندن چادرها و سمبلهای اسلامی به میدان می‌رسد. این خانمهای «فراکسیون» در حال سفر نزد علمای قم در خیابان با موج زنان برمی‌خورند. تصور کنید چه اتفاقی می‌افتد؟ براستی که در آن روز سفر قمشان به کجا ختم می‌شود؟ آنروز دیر نیست، بزوزات شروع و اوچگیری این خروش و انقلاب را ما هرروزه می‌بینیم، جنبش دانشجویی، اعتراضات کارگری، اعتراضات مردمی و بالاخره طوفان خشم زنان شروع شده است. ناقوس مرگ جمهوری اسلامی زده شده و می‌رود که رویا و آرزوی مردان و زنان تشنه آزادی و برابری و رسیدن به یک دنیای بهتر نزدیک گردد. پیروزی از آن ماست!

کمیته کردستان

دبیر کمیته:

رحمان حسین زاده

Email:

r_hoseinzadeh@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۸۵۵۸۳۷

مسئول دبیرخانه:

محمد آسنگران

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۸۵۱۹۹۶۰۵

Email:

asangaran@aol.com

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است